روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

یکشنبه | ۱۱ مرداد ۱۴۰۵ | ۱۸ صفر ۱۴۴۸ | ۲ آگوست ۲۰۲۶ | سال هجدهم | شماره ۴۶۷۶ | ۴ صفحه | ۱۰ هزار تومان

۱۱۹۱ سال و ۳۳۵ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4676 | SUN.AUG.02, 2026 | ISSN:2008-2886

گزارش «وطن امروز» از نصف شدن تورم تیرماه و بررسی امتداد مسیر کاهش تورم

چرا تورم عقب نشست؟

صفحه ۴

گزارش «وطن امروز» از نقش مخرب رژیم صهیونی در بحران مهاجرتی اسپانیا

موش‌دوانی صهیونیستی

صفحه ۳

هشدار ایران به کشورهای منطقه در پی احتمال آغاز دور جدیدی از جنگ‌افروزی ترامپ

سپر آمریکا نشوید

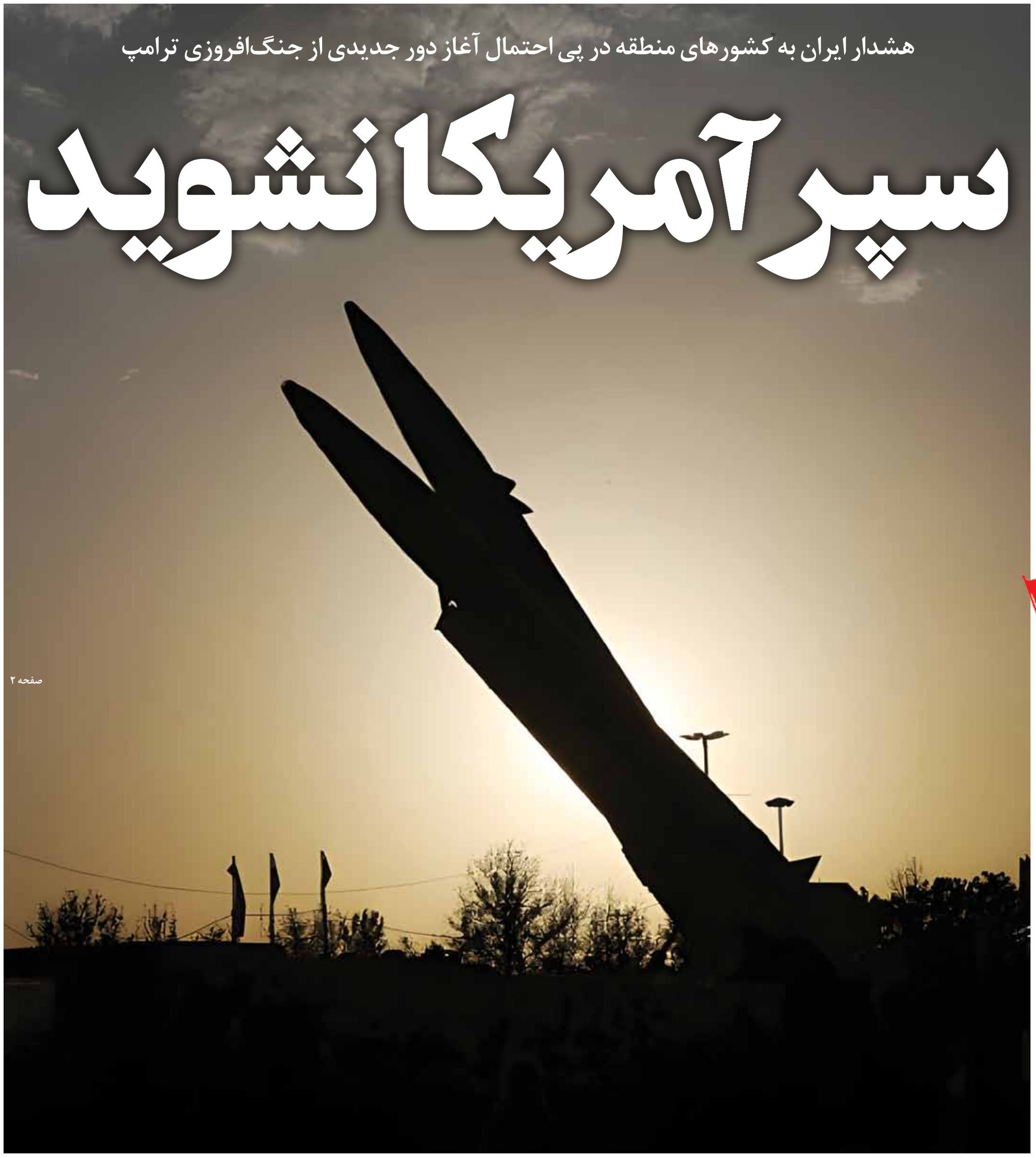

صفحه ۲

تیترهای امروز

گزارش «وطن امروز» از برنامه‌های ارتش یمن برای خنثی‌کردن توطئه ائتلاف جدید سعودی

گزینه‌های انصارالله

■ چگونه اراده یمنی‌ها می‌تواند معادله «محاصره در برابر محاصره» را به سعودی‌ها تحمیل کند

صفحه ۳

پیاده‌روی اربعین امسال و ایده مقاومت به عنوان یک مسیر تمدنی در امتداد مختصات تاریخی و جغرافیایی

راه تمدن‌ساز

میلیون‌ها زائر ناشناس در مسیر اربعین به شبکه‌ای عظیم از خدمت و همیاری تبدیل می‌شوند

قدرت در جاده اربعین

صفحات یک و ۴

پیامدهای همزمان تحولات ۲ تنگه هرمز و باب‌المندب بر نظم غرب آسیا

در آستانه نظم جدید

نگاه

امیر حمزه‌نژاد

تحولات اخیر غرب آسیا از تنگه هرمز تا تنگه باب‌المندب نشان می‌دهد منطقه وارد مرحله تازه‌ای از رقابت‌های ژئوپلیتیک شده است؛ مرحله‌ای که در آن بازیگران همسو با محور مقاومت با وجود استقلال در تصمیم‌گیری، در حال ایجاد نوعی هم‌افزایی راهبردی هستند. همزمانی فشار بر مهم‌ترین گذرگاه‌های انرژی و تجارت دریایی جهان، تنها یک اقدام تاکتیکی نیست، بلکه نشانه تغییر معادله بازدارندگی و افزایش هزینه‌های امنیتی، اقتصادی و سیاسی برای آمریکا و متحدانش است؛ روندی که می‌تواند ابتکار عمل را بیش از گذشته از ائتلاف غرب سلب کرده و موازنه قدرت در منطقه را دستخوش تحول کند. تحولات منطقه به سمتی رفت که بعد از چند ماه انتظار، یمن وارد گود شد. این موضوع نشان می‌دهد حالا محور مقاومت که پیوستگی ناگسستنی دارد، به طور فراگیرتری مقابل ائتلاف آمریکا قرار گرفته است. اگرچه یمن به طور مستقل در حوزه خود در برابر اعمال محاصره ظالمانه رژیم سعودی وارد میدان شده و اعلام کرده این محاصره را تنها برای کشتی‌های سعودی اعمال می‌کند اما با توجه به اینکه عربستان در حوزه نفت یکی از مهم‌ترین صادرکنندگان است، همزمان با اعمال محدودیت ایران بر تنگه هرمز، اقدام یمن علیه کشتی‌های تجاری و نفتی ریاض قطعا بر قیمت نفت اثرگذاری جدی‌تری خواهد داشت. منازعه عربستان در بازار انرژی می‌تواند در ۲ حیطه اثر انفجاری بر قیمت نفت بگذارد. از یک سو محاصره دریایی عربستان اثربخشی بالایی دارد و تکمیل‌کننده پازل محور مقاومت در تنگه هرمز است و در سطح دیگر احتمال ضربه به زیرساخت‌های نفتی عربستان با بالا گرفتن جنگ علیه یمن، اثرگذاری بلندمدت‌تری در این حیطه خواهد گذاشت. همین عامل، پیوستگی راهبردی محور مقاومت حتی با وجود اعمال سیاست‌های جداگانه را به‌خوبی نشان می‌دهد. تاکتیک‌های مبارزه ایران و یمن در ۲ سوی هرمز و باب‌المندب هم شباهت زیادی خصوصا در بهره‌گیری از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک به هم دارد و این دو در عین رسیدگی به اهداف خود در برابر دشمن خارجی به‌خوبی یکدیگر را پوشش داده و عرصه را بر دشمن مشترک با اعمال سیاست‌های خود تنگ می‌کنند.

■ **قوام الماس مقاومت در فشار و بحران**

اعضای محور مقاومت در یک عرصه دیگر نیز شباهتی خاص با یکدیگر داشته و در بحران خاصیت رشد و ارتقا دارند.

ادامه در صفحه ۲

قدرت در جاده اربعین

یادداشت

علی کاکادزفولی

وقتی از اربعین سخن می‌گوییم، نخستین تصویر، انبوه انسان‌هایی است که در مسیری مشترک حرکت می‌کنند؛ جمعیتی عظیم که از زبان‌ها، کشورها، طبقات و موقعیت‌های اجتماعی متفاوت آمده‌اند. اهمیت اربعین اما به مساله اساسی‌تری برمی‌گردد و آن این است که چگونه میلیون‌ها انسان، بدون آنکه یکدیگر را بشناسند، وارد شبکه‌ای از اعتماد، خدمت و همکاری می‌شوند. از این منظر، می‌توان گفت نوعی «جامعه همکاری» شکل گرفته و در عین حال، این جامعه الگویی برای فهم معماری قدرت اجتماعی است.

قدرت را معمولا در دولت، ارتش، ثروت، رسانه و نهادهای رسمی جست‌وجو می‌کنیم. تصور رایج این است که جامعه زمانی قدرتمند است که حکومت مقتدر، اقتصاد بزرگ یا ابزارهای نظامی پیشرفته داشته باشد اما نوع دیگری از قدرت وجود دارد که کمتر دیده می‌شود؛ توانایی انسان‌ها برای اعتماد به یکدیگر، تقسیم منابع، مراقبت از غریبه‌ها و سازمان دادن به همکاری بدون اجبار مستقیم. این همان چیزی است که می‌توان آن را «قدرت اجتماعی» نامید.

«اربعین» یکی از بزرگ‌ترین صحنه‌های ظهور این قدرت است. در این مراسم، میلیون‌ها تصمیم کوچک و پراکنده به نظمی بزرگ تبدیل می‌شود. کسی خانه‌اش را در اختیار زائران قرار می‌دهد، دیگری غذا می‌پزد، فردی کفش‌ها را مرتب می‌کند، پزشکی رایگان درمان می‌کند، جوانی بار سالمندی را حمل می‌کند و خانواده‌ای تمام پس‌انداز محدود خود را برای چند روز پذیرایی هزینه می‌کند. هیچ‌یک از این کنش‌ها به‌تنهایی رخدادی بزرگ نیست اما ترکیب آنها شبکه‌ای چنان عظیم می‌سازد که قادر است جمعیتی چند میلیونی را پشتیبانی کند.

راز اربعین این است که همکاری را از یک تکلیف سنگین به عملی معنادار و منزلت‌آفرین تبدیل می‌کند. در بسیاری از نظام‌های اداری، انسان‌ها فقط در برابر حقوق، دستور یا الزام قانونی کار می‌کنند. در بازار نیز مبادله بر سود و منفعت شخصی استوار است اما در اربعین، خدمت خود به منبع هویت و اعتبار تبدیل می‌شود. خادم احساس نمی‌کند چیزی را از دست داده است، تصور می‌کند با بخشیدن زمان، غذا و آسایش، به زندگی خود معنا افزوده است.

این تغییر در منطق انگیزش فردی و اجتماعی بسیار مهم است. هر جامعه‌ای برای بقا به همکاری نیاز دارد اما اجبار و پول همیشه برای ایجاد همکاری کافی نیست. جامعه زمانی از قدرت درونی برخوردار می‌شود که افراد، خیر عمومی را صرفا مسؤولیت دولت یا دیگران ندانند. اربعین لحظه‌ای است که در آن، مسؤولیت از نهادهای رسمی به متن جامعه منتقل می‌شود. مردم منتظر نمی‌مانند یک سازمان مرکزی تمام نیازها را تشخیص و پاسخ دهد، بلکه خود به بازیگران تولید نظم تبدیل می‌شوند.

از این جهت، اربعین را می‌توان نوعی «فناوری اجتماعی» دانست. فناوری اجتماعی مجموعه‌ای از قواعد، نمادها و سازوکارهاست که همکاری میان انسان‌ها را آسان می‌کند. همان‌طور که یک نرم‌افزار، ارتباط میان اجزای مختلف را تنظیم می‌کند، رویداد اربعین نیز با استفاده از مسیر، موکب، زیارت، فرهنگ میزبانی و روایت عاشورا، میلیون‌ها فرد پراکنده را به یک شبکه همکاری تبدیل می‌کند.

معماری اجتماعی موکب هم در نوع خود جالب است؛ موکب نهاد اجتماعی کوچکی است که نیاز و امکان را به یکدیگر متصل می‌کند. زائر لازم نیست صاحب موکب را بشناسد، قرارداد امضا کند یا توان مالی خود را اثبات کند. صرف نیازمند بودن، برای دریافت خدمت کافی است. در اینجا رابطه‌ای شکل می‌گیرد که با منطق متعارف بازار که بر مبنای سود و مصرف است، تفاوت دارد. انسان ابتدا به عنوان میهمان و صاحب کرامت دیده می‌شود، نه مشتری یا دریافت‌کننده کمک.

همین امر اربعین را به تمرینی برای اعتماد به غریبه تبدیل می‌کند. زندگی مدرن، به‌ویژه در جوامع گرفتار بحران، انسان‌ها را به احتیاط و بدگمانی سوق می‌دهد. غریبه اغلب به صورت تهدید، رقیب یا مزاحم تصور می‌شود اما در اربعین، غریبه به میهمان تبدیل می‌شود. فردی که ممکن بود در شرایط عادی بر اساس ملیت، زبان، طبقه یا ظاهر قضاوت شود، در این فضا پیش از هر چیز «زائر» است. این تغییر نامگذاری، پدیده بسیار جالبی است. هر جامعه‌ای انسان‌ها را با عناوینی تعریف می‌کند که نوع رابطه با آنان را مشخص می‌کند. وقتی فرد با نام‌هایی چون مهاجر، رقیب، بیگانه یا مشتری نامیده می‌شود، رفتاری متناسب با آن عنوان شکل می‌گیرد اما عنوان زائر رابطه‌ای اخلاقی ایجاد می‌کند. زائر کسی است که باید به او احترام گذاشت، راه را نشانش داد و از او مراقبت کرد. در نتیجه، اربعین نظام ادراک ما از «انسان» را تغییر می‌دهد و نوع نگاه‌مان را نسبت به هم بازتنظیم می‌کند.

قدرت اجتماعی دقیقا همین‌جا ساخته می‌شود، چون این نوع قدرت، یعنی توان ایجاد جهانی که در آن، انجام یک کار به‌خصوص، ارزشمند و افتخارآمیز به نظر برسد. در اربعین، خدمت به دیگری به جای آنکه نشانه ضعف یا زیان باشد، نشانه منزلت است. فرد برای آنکه بزرگ دیده شود، به جای فاصله گرفتن از مردم، در برابر آنان خم می‌شود و کفش یا پای زائر را تمیز می‌کند. این وارونگی هم در نوع خود نوعی بازتعریف قدرت است. در منطق متعارف، قدرتمند کسی است که بیشتر دریافت می‌کند و کمتر نیازمند دیگران است. در منطق اربعین، قدرتمند کسی است که توان بیشتری برای بخشیدن و مراقبت از دیگران دارد. این تغییر، قدرت را از سلطه به خدمت منتقل می‌کند. به همین دلیل، اربعین فقط بازتاب قدرت اجتماعی موجود نیست، بلکه خود، قدرت اجتماعی تولید می‌کند. رویداد باشکوه اربعین به ما ثابت می‌کند جامعه ما از ظرفیت عظیمی برای ایثار، سازمان‌دهی و اعتماد برخوردار است. از این حیث نقش این رویداد بزرگ در معماری قدرت اجتماعی ایران را باید مورد تامل جدی قرار داد. این رویداد آنقدر بزرگ است که حتی دولت‌ها را به خدمت خود درمی‌آورد؛ دولت‌های ایران و عراق هر دو خدمتگزار این شبکه اجتماعی بزرگ هستند؛ موضوعی که گاه توسط برخی برعکس فهمیده می‌شود و این عده تصور می‌کنند این رویداد، دولتی است و حکومتی!

از رویداد اربعین درس‌های زیادی می‌توان آموخت؛ نوعی تمرین سالانه برای ساختن جامعه‌ای متفاوت؛ جامعه‌ای که در آن، غریبه تهدید نیست، خدمت تحقیر نیست، بخشش زیان نیست و همکاری به فرمان مرکزی وابسته نیست. اربعین توانسته به یک نیروی تمدنی عظیم تبدیل شود، چون اخلاق استثنایی چند روز را به شکل الگویی درآورده که قابل ترجمه به ساختار پایدار زندگی اجتماعی است.